

Analysis of the Reasons for Failure and Untapped Capacities of the Organisation of Islamic Cooperation in Confronting Israel's Crimes in Gaza

Hadi Salehi ¹, Alam Saleh ², Abouzar Balaghi ³

1. Assistant Professor of Public Law at Shiraz University (Corresponding Author) Email: Hadi.Salehi@Shirazu.ac.ir

2. Associate Professor of Middle East Studies at Australian National University. Email: Alam.Saleh@anu.edu.au

3. PhD Candidate of International Law at Razavi University of Islamic Studies. Email: A.Balaghi.shz@gmail.com

Abstract

Received:

2025/07/13

Revised:

2025/09/01

Accepted:

2025/09/11

Published

online:

2025/09/23

The Organization of Islamic Cooperation (OIC) was established in 1969 with the aim of unifying Islamic countries and defending their interests, particularly in combating the occupying regime of Israel and supporting the Palestinian people. However, despite the passage of five decades, the organization has had limited success in achieving its political goals, especially in resolving the Palestinian issue. Its name change from "Islamic Conference" to "Islamic Cooperation" reflects the expansion of its activities into economic and cultural domains and a reduced focus on political challenges. The main reasons for the organization's failure include internal divisions among members, dependence on Western countries, cultural and political disharmony among members, and the non-binding nature of its decisions. The organization has attempted to make efforts by establishing financial funds (such as the Islamic Solidarity Fund and the Islamic Development Bank) and providing legal support for Palestine in international forums, but its inability to implement effective sanctions, failure to establish a collective security system, and reliance on non-binding resolutions have hindered its effectiveness. Proposed solutions include strengthening practical convergence, utilizing international legal mechanisms (such as the International Criminal Court), imposing economic sanctions on Israel, and strengthening humanitarian actions. However, the lack of political will, sectarian tensions, and the dominance of Western hegemony over the international system exacerbate the structural challenges of this organization.

Keywords: Organisation of Islamic Cooperation, Intergovernmental Organisation, Palestine, Obstacles to the Convergence of Islamic Countries, Israel.

How To Cite: Saleh, A; Salehi, H & Balaghi, A. (2025). Analysis of the Reasons for Failure and Untapped Capacities of the Organisation of Islamic Cooperation in Confronting Israel's Crimes in Gaza, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12 (3), 149-175. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.13345.2694>.

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



واکاوی علل ناکامی و ظرفیت‌های مغفول سازمان همکاری اسلامی در مقابله با جنایات ارتكابی اسرائیل در غزه

هادی صالحی^۱، علم صالح^۲، ابوذری بلاغی^۳

۱. استادیار بخش حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: Hadi.Salehi@Shirazu.ac.ir

۲. دانشیار مطالعات خاورمیانه دانشگاه ملی استرالیا، رایانامه: Alam.Saleh@anu.edu.au

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: A.Balaghi.shz@gmail.com

چکیده

سازمان همکاری اسلامی با هدف وحدت کشورهای اسلامی و دفاع از منافع آن‌ها، به‌ویژه در مبارزه با رژیم اشغالگر اسرائیل و حمایت از مردم فلسطین، در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد. با این حال، علی‌رغم گذشت پنج دهه، این سازمان در دستیابی به اهداف سیاسی خود، به‌ویژه در حل مسئله فلسطین، موفقیت محدودی داشته است. تغییر نام آن از «کنفرانس اسلامی» به «همکاری اسلامی» نشان‌دهنده گسترش دامنه فعالیت‌ها به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و کاهش تمرکز بر چالش‌های سیاسی است. علل اصلی ناکامی این سازمان شامل اختلافات داخلی اعضا، وابستگی به کشورهای غربی، ناهمگونی فرهنگی سیاسی اعضا و عدم الزام‌آور بودن تصمیمات آن است. سازمان با ایجاد صندوق‌های مالی (مانند صندوق همبستگی اسلامی و بانک توسعه اسلامی) و حمایت حقوقی از فلسطین در مجامع بین‌المللی تلاش کرده است، اما ناتوانی در اجرای تحریم‌های مؤثر، عدم ایجاد نظام امنیت جمعی و وابستگی به قطعنامه‌های غیرالزام‌آور مانع تأثیرگذاری آن شده است. راهکارهای پیشنهادی شامل تقویت همگرایی عملی، استفاده از مکانیسم‌های حقوقی بین‌المللی (مانند دیوان کیفری بین‌المللی)، تحریم اقتصادی اسرائیل و تقویت اقدامات بشردوستانه است. با این حال، فقدان اراده سیاسی، تنش‌های فرقه‌ای و سلطه هژمونی غرب بر نظام بین‌المللی، چالش‌های ساختاری این سازمان را تشدید می‌کند.

واژگان کلیدی: سازمان همکاری اسلامی، سازمان بین‌دولتی، فلسطین، موانع همگرایی کشورهای اسلامی، اسرائیل.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۴/۰۷/۰۱

استناد: صالحی، علی؛ صالح، علم و بلاغی، ابوذری (۱۴۰۴). واکاوی علل ناکامی و ظرفیت‌های مغفول سازمان همکاری اسلامی در مقابله با جنایات ارتكابی اسرائیل در غزه، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۲ (۳)، ۱۷۵-۱۴۹. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.13345.2694.1069>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

مسئله اشغالگری رژیم اسرائیل و مبارزه ملت فلسطین به‌عنوان یکی از پایدارترین و از نظر احساسی پرتنش‌ترین مسائل ژئوپلیتیکی زمان ما قد علم کرده است. مناقشه‌ای به ظاهر لاینحل که ابتکارات حل مسئله متعددی را ناکام گذاشته و پیامدهای آن چون سایه‌ای شوم بر منطقه و صحنه بین‌المللی قابل مشاهده است. این مناقشه عمیقاً با ملاحظات دینی درهم‌تنیده شده و با منافع قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی وضعیتی بغرنج یافته و مجموعه‌ای پیچیده از چالش‌های سیاسی، بشردوستانه و امنیتی را پدید آورده است. ماهیت پایدار این مناقشه که با چرخه‌های خشونت و امیدهای نقش بر آب برای صلح مشخص می‌شود، نیاز فوری به اقدام بین‌المللی مؤثر و هماهنگ برای رسیدگی به علل اصلی آن و کاهش پیامدهای ویرانگر آن را برجسته می‌کند. در بحبوحه این مناقشه، سازمان همکاری اسلامی^۱ به‌عنوان یک نهاد بین‌دولتی مهم ظاهر می‌شود که از موقعیت منحصر به فردی برای ایفای نقش حیاتی برخوردار است. سازمان همکاری اسلامی که در سال ۱۹۶۹ در پی حمله آتش‌سوزی به مسجدالاقصی^۲ تأسیس شد، با مأموریت صریح برای تقویت همبستگی اسلامی و حفاظت از حقوق و منافع جهان اسلام تأسیس شد.

سازمان همکاری اسلامی با نمایندگی حوزه وسیعی متشکل از ۵۷ کشور عضو که قاره‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را در بر می‌گیرد، خود را صدای جمعی امت اسلامی اعلام می‌کند. از بدو تأسیس، آرمان فلسطین جایگاه اصلی را در دستور کار سازمان همکاری اسلامی به خود اختصاص داده است. دلیل وجودی این سازمان به‌طور مشخص با مبارزه فلسطین مرتبط است، به‌طوری‌که آزادی فلسطین و حفاظت از هویت اسلامی بیت‌المقدس از اصول اساسی و بنیادین آن است (بزرگی، ۱۳۸۴: ۳۱). سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان دومین سازمان بین‌دولتی بزرگ جهان پس از سازمان ملل متحد، از وزن سیاسی قابل توجه، ظرفیت اقتصادی جمعی قابل توجه و میراث مذهبی و فرهنگی مشترکی برخوردار است که از نظر تئوری می‌تواند به نفوذ قابل توجهی در صحنه جهانی، به‌ویژه در مورد مسائل دارای اهمیت اساسی برای کشورهای عضو آن، مانند مسئله اسرائیل و فلسطین تبدیل شود.

1. . Organization of Islamic Cooperation

۲. در روز ۱۸ اوت برابر با ۳۰ مرداد ۱۳۴۸ آتش‌سوزی عمدی در مسجدالاقصی رخ داد. دولت اسرائیل آن را به یک جهانگرد استرالیایی نسبت داده و اعلام نمود که وی در هنگام آتش زدن دچار بیماری روانی بوده و قابل مجازات نیست.

با توجه به تعهد اساسی و پتانسیل ذاتی، انتظار می‌رود سازمان همکاری اسلامی بازیگر محوری در رسیدگی به مناقشه اسرائیل و فلسطین باشد. جهان اسلام و درواقع جامعه بین‌المللی به‌طورکلی، به سازمان همکاری اسلامی چشم دوخته‌اند تا از قدرت جمعی، توانایی دیپلماتیک و اقتدار اخلاقی خود برای مشارکت معنادار در راستای یک راه‌حل عادلانه و پایدار استفاده کند. طبق نظریه کارکردگرایی، تنها از طریق همکاری سازمان یافته در هر بخشی از زندگی بین‌المللی می‌توان به صلح دست یافت (بیگ زاده، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۶). این مقاله به ارزیابی انتقادی نقش واقعی سازمان همکاری اسلامی و تأثیر قابل اثبات آن در زمینه مناقشه اسرائیل و فلسطین می‌پردازد. هدف این مقاله فراتر رفتن از اظهارنظرهای اعلامی سازمان در حمایت از حقوق فلسطینیان و ورود به جنبه‌های عملی تعامل آن است. هدف اصلی این تحلیل، بررسی دقیق موفقیت‌های سازمان همکاری اسلامی و مهم‌تر از آن، کاستی‌ها و محدودیت‌های آن در رسیدگی مؤثر به این مناقشه طولانی و عمیقاً تفرقه‌انگیز است. همچنین به ظرفیت‌های موجود این سازمان در راستای ایفای نقش شایسته در مسئله فلسطین خواهیم پرداخت. با بررسی استراتژی‌ها، اقدامات و درنهایت، پیامدهای سازمان همکاری اسلامی، این مقاله قصد دارد درک دقیقی از این موضوع ارائه دهد که چرا، علی‌رغم پتانسیل قابل توجه و اهداف اعلام شده‌اش، تأثیر این سازمان در صحنه عمل اغلب کمتر از انتظارات بوده است.

بنابراین، این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، در صدد بیان آن است که علی‌رغم حمایت مداوم و اغلب پرشور از حقوق فلسطینیان، اثربخشی سازمان همکاری اسلامی در حل و فصل یا حتی کاهش قابل توجه مناقشه اسرائیل و فلسطین به‌طور ملموس محدود بوده است. این اثربخشی محدود به یک عامل منفرد نسبت داده نمی‌شود، بلکه از تعامل پیچیده اختلافات داخلی در میان اعضای سازمان همکاری اسلامی، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی مداوم که نقش‌آفرینی آن را در صحنه بین‌المللی محدود می‌کند و فقدان اقدام منسجم و استراتژی متحد در میان اجزای متنوع آن ناشی می‌شود. این چالش‌های چندوجهی مانع از تبدیل اظهارات و قطعنامه‌های سازمان همکاری اسلامی به پیامدهای ملموسی شده است که بتواند مسیر مناقشه را به شیوه‌ای معنادار تغییر دهد و سؤالات مهمی را در مورد ظرفیت این سازمان برای ایفای مأموریت اساسی خود در یکی از مبرم‌ترین و دیرپاترین بحران‌هایی که امروز جهان اسلام و جامعه بین‌المللی با آن مواجه هستند، مطرح می‌کند.

۱. تأسیس سازمان همکاری اسلامی: آغاز همگرایی کشورهای اسلامی در مبارزه با اسرائیل

پایان جنگ جهانی دوم، جهان اسلام را وارد عصر جدیدی از حیات سیاسی خود کرد. هم‌زمان با تأسیس اسرائیل در قلب سرزمین‌های اسلامی،^۱ نظریه پان‌اسلامیزم یعنی وحدت جهان اسلام قوت گرفت. پیشنهاد مصر در سال ۱۹۴۷ برای تشکیل اتحادیه اسلامی بین‌المللی، طرح تشکیل بلوک اسلامی توسط سلطان عبدالله شاه اردن در سال ۱۹۴۹، پایه‌گذاری کنفرانس عمومی اسلامی^۲ توسط کشورهای مصر و عربستان سعودی و پاکستان در سال ۱۹۵۲، تأسیس جامعه مسلمانان جهان^۳ توسط دولت عربستان سعودی در سال ۱۹۶۲ در راستای این نظریه بود (سیدالسلیم و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۳). این جامعه، در سال ۱۹۶۴، درخواست برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی را مطرح کرد، اما سرانجام فشارهای مصر موجب تسلیم این کشور و منتفی شدن طرح مذکور گردید. با این حال، وقوع مسائل بعدی در جهان اسلام، مقدمات گردهمایی کشورهای اسلامی را تقویت نمود که دو دلیل عمده آن، جنگ شش روزه^۴ ۱۹۶۷ و آتش‌سوزی مسجدالاقصی توسط اسرائیل بود.

پس از وقوع آتش‌سوزی ۳۰ مرداد ۱۳۴۸ شمسی (۲۱ آگوست ۱۹۶۹) در مسجدالاقصی و اعتراضات مردمی در بسیاری از کشورهای اسلامی، نخستین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در رباط پایتخت مراکش (سپتامبر ۱۹۶۹)، برگزار شد. این اجلاس نقطه آغاز پیدایش رسمی سازمان همکاری اسلامی و پاسخی از سوی کشورهای اسلامی به این اقدام بود. در واقع، بنیان‌گذاران این موضوع را آن‌قدر مهم دانستند که در منشور سازمان چندین

۱. در سال ۱۸۹۷ «سازمان جهانی صهیونیستی» به‌وسیله تئودور هرتزل ۱. در شهر «بال» ۱. و با هدف برپایی دولتی یهودی، پس از سقوط امپراتوری عثمانی و قیمومت انگلیس بر فلسطین، تحت حمایت انگلیس موج مهاجرت یهودیان اروپا که از آزار اروپاییان در طی جنگ جهانی به ستوه آمده بودند، به فلسطین آغاز شد تا اینکه سازمان ملل رأی به تقسیم فلسطین و ایجاد دو دولت عربی و یهودی داد.

۲. آژانس یهود با وجود نارضایتی که داشت، قطعنامه فوق را پذیرفت. ولی این طرح مورد قبول جمعیت عرب فلسطین و دولت‌های عربی قرار نگرفت. آنان معتقد بودند که طرح مزبور ناقض مقررات منشور ملل متحد در اعطای حق تعیین سرنوشت به ملت‌هاست. مسئله فلسطین برای جهان عرب و مسلمانان، به سه دلیل عمده دارای اهمیت فوق‌العاده است: نخست تقدس فلسطین و دلبستگی عاطفی-معنوی همه مسلمانان به آن سرزمین است. دوم نفرت تاریخی و ایدئولوژیک ریشه‌دار و تلخ یهودیان صهیونیست به اسلام و مسلمانان است. سوم ماهیت امپریالیستی گسترده پروژه غربی-صهیونیستی و تلاش مداوم آنان برای از بین بردن وحدت مسلمانان به عناصری ضعیف و منزوی تحت سلطه ابرقدرت‌ها است.

2. The General Islamic Conference.

3. The World Muslim League.

۴. جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ (از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷) میان اسرائیل و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن، با پیروزی اسرائیل به پایان رسید. و در نتیجه این جنگ اسرائیل، کنترل نوار غزه و صحرای سینا را از مصر، قدس شرقی و کرانه باختری رود اردن را از اردن و بلندی‌های جولان را از سوریه خارج کرد. کشورهای عربی همچون عراق، عربستان، تونس، سودان، مراکش، الجزایر، لیبی و کویت نیز به اسرائیل اعلام جنگ داده و با اعزام نیروهای کمکی به یاری اردن، مصر و سوریه شتافتند. نتایج این جنگ در ساخت ژئوپلیتیک منطقه تأثیرگذار بوده است.

اشاره به آن شده است؛ به عنوان مثال، در منشور آمده است که این سازمان و اعضای آن برای تحقق خودمختاری فلسطین و حفظ هویت تاریخی و اسلامی قدس (ماده ۱) تلاش خواهند کرد.

سه اجلاس بعدی وزرای امور خارجه، روند تأسیس سازمان را تکمیل نمود. اجلاس اول (جده، مارس ۱۹۷۰)، با تأسیس دبیرخانه دائمی به صورت موقت و تا زمان آزاد شدن بیت المقدس در شهر جده موافقت کرد. دومین کنفرانس (کراچی؛ پاکستان، دسامبر ۱۹۷۰)، تونکیو عبدالرحمن نخست وزیر مالزی را به عنوان دبیر کل کنفرانس منصوب کرد. سومین اجلاس (جده، ۱۹۷۲)، اساسنامه تهیه شده توسط اجلاس قبلی را تصویب کرد که در حقیقت سازمان همکاری اسلامی به صورت رسمی تأسیس شد (سید السلیم و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۶) تأسیس این سازمان، نشان دهنده درک همگرایی کشورهای اسلامی با انگیزه های متفاوت بود.

۲. واگرایی کشورهای عضو در مبارزه با اسرائیل

دولت ها از سازمان های بین المللی متعددی که پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شده اند، برای مدیریت تعاملات خود و درگیری های بین المللی استفاده می کنند (Peter, Robert & Stephen, 1998: 645-685). این سازمان ها با ایجاد ساختارهای پایدار و تمرکز بر فعالیت های جمعی، می توانند بهره وری و تأثیرگذاری خود را افزایش دهند (Kenneth & Duncan, 1998: 3-32). با این حال، برخی از سازمان های بین المللی تا حدی در برآوردن هدف های همگون شکست خورده اند (کلاد، ۱۳۶۹: ۳۲-۳۳). با وجود مرکزیت مسئله فلسطین در تأسیس و فعالیت های سازمان همکاری اسلامی طی سال ها، این سازمان در ترویج مسئله فلسطین دستاوردهای نسبتاً کمی داشته است. نمونه واضحی از شکست همگرایی در این راستا، پیمان های صلح مصر (۱۹۷۹) و اردن (۱۹۹۴) با اسرائیل و موافقت نامه های عادی سازی روابط کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش با رژیم اسرائیل، موسوم به «موافقت نامه ابراهیم» در سال ۲۰۲۰ است؛ این موارد نشان دهنده گسست و واگرایی در سازمان همکاری اسلامی است (توحیدی و حسن جان زاده، ۱۴۰۲: ۴).

در تحلیل واگرایی سازمان همکاری اسلامی، دلایل متعددی قابل بحث است، ولی در اینجا به دلایل عمده مربوط به واگرایی در مورد فلسطین بحث می شود. اوزکان علل ناکامی این سازمان را، درگیری های درون سازمانی، جنگ قدرت میان اعضا و شکست در تدوین سیاست های دقیق و مدرن می داند (Ozkan, 2007: 162). عقیده ای که زیربنای سازمان را اسلام می داند نیز محل تناقض است؛ زیرا دستور کار سازمان، تمرکز بر امت اسلامی دارد، ولی در عمل تفاوت های زیادی در نگرش و اقدام وجود دارد (Akbarzadeh & Connor, 2005).

92-79) کارکرد سازمان در قبال چالش‌های کشورهای مسلمان، به عواملی چون افراط‌گرایی در کشورهای اسلامی و فشار کشورهای غربی وابسته است. رقابت میان اعضای قدرتمند س.ا.و مانند عربستان، ترکیه و ایران بر سر استفاده از امکانات دیپلماتیک سازمان، نشان‌دهنده رقابت و چالش در درون سازمان است (جانسیز و احمدی خوی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۱۴).

از اولین اجلاس به وضوح سه‌گرایش کشورهای بی‌طرفی همچون ترکیه که به دنبال همکاری بدون تمرکز ویژه بر فلسطین بودند و کشورهای رادیکال (مصر، سودان، لیبی، عراق، سوریه و یمن) با اعتقاد به تشکیل جبهه متحد علیه صهیونیست‌ها و کشورهای محافظه‌کار (عربستان و ایران و مراکش) با توجه و همکاری کشورهای اسلامی در همه مسائل جهان اسلام و نه فقط اسرائیل دیده می‌شد. درواقع در پی فاجعه «مسجدالاقصی»، گروه سوم به‌منظور پاسخ به افکار عمومی مسلمانان و جلوگیری از جنگ ناخواسته با اسرائیل، به تشکیل کنفرانس اسلامی محدود شد. رژیم ایران نیز به دنبال خروج از انزوای سیاسی ناشی از روابط این رژیم با اسرائیل و بهبود روابط سیاسی با دولت‌های اسلامی بود (ممدوحی، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۲).

در مراحل اولیه، کشورهای محافظه‌کار، قطعنامه‌های متناسب با نگرش خود را به سازمان تحمیل کردند که تأکید کمتری بر مسائل فلسطین داشت (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۸). به تدریج، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مواضع این کشور به نزدیک شدن به کشورهای رادیکال تغییر کرد، درحالی‌که مصر به جناح میانه سازمان متمایل شد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۴۸-۵۲).

استقلال و ثبات، تضمین‌کننده همگرایی است، ولی جهانی شدن که باعث همسویی و وابستگی به کشورهای قدرتمند می‌شود؛ باعث گردیده است که انسجام و یا تشبث درون‌سازمانی، تابعی از همکاری و یا رقابت بین دو ابرقدرت باشد که نقش این وابستگی در حمایت از اقلیت‌های مسلمان و نهضت‌های اسلامی آزادی‌بخش خصوصاً در مسئله فلسطین مشهود است (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۵۹-۶۰).

توانایی پایین سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای اسلامی باعث شده تا قدرت‌های با نفوذ، مدیریت تحولات اساسی این کشورها را به دست گیرند. در فاصله میان دو جنگ جهانی، فرانسه و انگلیس با حضور و نفوذ در دستگاه حکومتی سرزمین‌های تحت قیمومیت، به‌طور مستقیم تحولات آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند که نتیجه قیمومت انگلیس، مهاجرت بخشی از قوم یهود با عنوان صهیونیسم به سرزمین فلسطین است. با تأسیس سازمان در بحبوحه جنگ سرد، کشورهای اسلامی به سه دسته عمده تعلق داشتند: طرفداران بلوک غرب،

طرفداران بلوک شرق و کشورهای غیرمتعهد (Lenczowski, 1973: 57). بارها به اثبات رسیده است که این قدرت‌ها در بحران‌های منطقه‌ای، تنها در پی مدیریت آن بحران به منظور تضمین منافع خود بوده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۴۶).

دولت‌ها به روش‌های گوناگون بر نهادها و سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. قدرت و توانمندی دولت‌ها نقش قابل توجهی در نفوذ و تأثیرگذاری آن‌ها دارد (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۹: ۷۶). کشورهای ثروتمند محافظه‌کار بر اساس ماده ۲۹ منشور، سهم عمده‌ای در تأمین هزینه‌های سازمان دارند. گزارش‌های کمیته مالی و بودجه سازمان، نشان دهنده تأمین بیشترین رقم بودجه توسط دو کشور عربستان و کویت و در نتیجه نفوذ بالای آن‌ها در سازمان است و همین امر باعث اعمال نفوذ در جهت‌گیری‌های سازمان و برخوردی محافظه‌کارانه با مسائل و معضلات جهان اسلام را فراهم آورده است (فوزی تويسرکاني، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۳).

یکی دیگر از مشکلات، الزام‌آوری تصمیمات سازمان‌هاست. تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی، بسته به نوع و محتوای آن‌ها، می‌توانند از قدرت الزام‌آور برخوردار باشند، (اسخرم‌رز، ۱۳۷۵: ۱۵۵-۱۷۸). اما در سازمان همکاری اسلامی، چنین سازوکاری وجود ندارد و این مسئله باعث می‌شود که اعضا در مواقع تضاد منافع، تصمیمات سازمان را نادیده بگیرند، بنابراین در سازمان نمی‌تواند تصمیمات الزام‌آور برای مبارزه با اسرائیل را بر اعضای خود تحمیل نماید.

سه مشکل اساسی سازمان همکاری اسلامی را از زمان تأسیس دچار چالش کرده است. اولین مشکل تنوع بیش از حد اعضا از نظر اندازه، دامنه سیاسی، ترکیب فرهنگی و توسعه اقتصادی است که در کنار عضویت از چهار قاره مختلف، مانع از اقدام جمعی مؤثر می‌شود. همچنین این ایده که همه اعضای سازمان همکاری اسلامی، دولت‌های مسلمان هستند، گمراه کننده است: حدود ده عضو این سازمان کشورهای دارای اقلیت مسلمان هستند و حدود ۲۰ عضو دیگر سکولارند. با اینکه برخی از اعضا (عربستان سعودی، ایران و پاکستان)، نظام‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی خود را برگرفته از اسلام می‌دانند، ولی به مسائل امت از دیدگاه ملی نگاه می‌کنند و اولویت‌ها را بر اساس منافع دولت و تفسیرهای مورد ترجیح دولت از تعالیم اسلامی تعیین می‌کنند.

دومین مشکل این است که کشورهای عضو تمایلی به تقویت این سازمان ندارند که باعث عدم تمایل به واگذاری قدرت به یک سازمان فراملی می‌شود. ترکیب رژیم‌های استبدادی، کشورهای پس از استعمار، سطوح مختلف دینداری و اختلافات فرقه‌ای همگی احتمال اینکه کشورهای عضو به سازمان اجازه دهند بر آن‌ها تسلط

داشته باشد را کاهش می‌دهد. این وضعیت باعث می‌شود که سازمان همکاری اسلامی، توانایی محدودی برای جلب قدرت سیاسی به‌منظور حل مشکلات کشورهای مسلمان و جوامع اقلیت مسلمان داشته باشد. سومین مشکل آن است که غالباً کشورهای مسلمان در روابط بین‌الملل بازیگران ضعیفی بوده‌اند که بخش عمده‌ای ناشی از تسلط غرب بر نظام بین‌المللی از نظر پویایی قدرت، نظم و ارزش‌هاست. در وهله اول، دین اسلام پایه‌ای ضعیف برای یک سازمان بین‌المللی در دنیای وستفالیایی فراهم می‌کند که در آن ملی‌گرایی، دولت‌ملت و هنجارهای سکولار بر سیاست جهانی غالب است. درنهایت، مسلمانان به‌عنوان یک بازیگر جهانی ضعیف شناخته می‌شوند (Kayaoglu, 2015: 141-142).

۳. امکان‌سنجی راهکارهای حمایت‌شایسته از فلسطین در برابر اسرائیل

سازمان همکاری اسلامی در پیشبرد دستور کار سیاسی خود و بیان موضع اسلامی در حوزه عمومی بین‌المللی در مورد حقوق فلسطینیان، موفق بوده است. اما این سازمان از منابع مالی، دیپلماتیک و نیروی انسانی کافی برای پیشبرد این مواضع فراتر از حوزه‌های دیپلماتیک برخوردار نیست که این موضوع توانایی آن را برای اجرای سیاست‌های مطلوبش در عرصه سیاست جهانی مختل می‌کند. با وجود تمام کمبودها و مشکلات، سازمان همکاری اسلامی پتانسیل تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در روابط بین‌الملل را دارد. دوام و جاذبه مداوم این سازمان نشان‌دهنده اهمیت همبستگی مسلمانان است که برجسته‌ترین شکل آن احتمالاً یک سازمان بین‌المللی خواهد بود. یک سازمان بین‌دولتی بهترین شانس را برای یک مدل فراملی در چارچوب نظام وستفالیایی که بر حاکمیت تأکید دارد، ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، یک سازمان بین‌دولتی از کشورهای مسلمان بیشترین پتانسیل را دارد که به معتبرترین شکل وحدت اسلامی تبدیل شود و صدای جمعی مسلمانان را در سیاست بین‌الملل ارائه دهد.

علاوه بر این، سازمان همکاری اسلامی ظرفیت گسترش و مشروعیت‌بخشی به حقوق بین‌الملل و نهادها در میان مسلمانان را دارد. درواقع، سازمان همکاری اسلامی نقش مهمی در مشروعیت‌بخشی به نظام دولت‌ملت در چشم ملت‌های اسلامی ایفا کرده و بهترین نمونه از تعهد مسلمانان به نظام بین‌المللی وستفالیایی، سازمان ملل و حقوق بین‌الملل است. درنهایت، سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان نیرویی برای یکپارچه‌سازی جهان اسلام در جامعه بین‌المللی تحت سلطه غرب عمل کرده است.

با بیان دیدگاه اسلامی میانه‌رو، سازمان همکاری اسلامی و آژانس‌های آن به اسلام جایگاهی در سیاست جهانی اختصاص می‌دهند. این تلاش به‌طور اساسی پویایی جامعه بین‌المللی را تغییر نخواهد داد، اما باعث می‌شود سایر بازیگران و نهادهای بین‌المللی با دیدگاه اسلامی مواجه شوند و گاهی این دیدگاه را در مسائلی مانند نقش دین در حوزه عمومی و حقوق بشر بپذیرند. علاوه بر این، فعالیت جهانی سازمان همکاری اسلامی نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم سنتی اسلامی می‌توانند جهان اسلام را با اصول جامعه بین‌المللی هماهنگ کنند و چگونه مشارکت این سازمان به شکل‌گیری نگرش جدیدی درباره نظم بین‌المللی کمک می‌کند.

سازمان همکاری اسلامی بارها خود را به‌عنوان یک نهاد محوری در سیاست‌های درون مسلمانان معرفی کرده است، اما پس از تقریباً نیم قرن، نتوانسته است به موفقیتی که بنیان‌گذاران آن در نظر داشتند، دست یابد. در مورد مسئله فلسطین، سازمان همکاری اسلامی توانسته است این مسئله را به یک نگرانی محوری در سیاست‌های درون مسلمانان تبدیل کند، رهبران مسلمان را با دیدگاهی طرفدار فلسطین جهت‌دهی کند و در نهایت کشورهای مسلمان را از روابط دیپلماتیک و اقتصادی با اسرائیل بازدارد. به‌طور مشابه، سازمان همکاری اسلامی نیروی مؤثری در ایجاد نمایندگی و حقوق ناظر برای فلسطین در آژانس‌های سازمان ملل بوده است.

اگرچه سازمان همکاری اسلامی همواره حامی فلسطین بوده، اما موضع آن در مورد اسرائیل از زمان تأسیس تاکنون تغییراتی داشته است که سه مرحله قابل تشخیص است. در مرحله اول (۱۹۶۹-۱۹۷۳)، اهداف سازمان همکاری اسلامی محدود بود: این سازمان حق موجودیت اسرائیل را به چالش نمی‌کشید، اما خواستار بازگشت به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی با قدس شرقی به‌عنوان پایتخت آن بود. با توجه به موفقیت نسبی مصر در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل و موفقیت کشورهای عربی در استفاده از نفت به‌عنوان سلاح سیاسی، سازمان همکاری اسلامی در مرحله دوم (۱۹۷۳-۱۹۹۰) موضعی جنگ‌طلبانه علیه اسرائیل اتخاذ کرد و از مسلمانان خواست تا برای آزادی فلسطین جهاد کنند. همچنین از کشورهای مسلمان خواست تا داوطلبانی را برای جنگ با اسرائیل بسیج کنند (که تنها لیبی این کار را انجام داد) و روابط خود را با اسرائیل قطع کنند. درحالی‌که نقشه ۱۹۶۷ مرجع اصلی سازمان همکاری اسلامی بود، در مرحله دوم نقشه ۱۹۴۸ که اسرائیل را شامل نمی‌شد، مورد پذیرش قرار گرفت. به‌طور مشابه، درحالی‌که سازمان همکاری اسلامی پیش‌تر به قدس شرقی به‌عنوان پایتخت فلسطین اشاره می‌کرد، اکنون کل شهر را به‌عنوان زمین فلسطین قلمداد می‌کند. این موضع غیرقابل سازش در ابتدا نتیجه داد، زیرا سازمان همکاری اسلامی موفق شد اسرائیل را از یونسکو اخراج کند (۱۹۷۴). همچنین

تلاش ناموفقی برای اخراج اسرائیل از مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجام داد. با این حال، سازمان همکاری اسلامی در تسهیل تصویب قطعنامه‌ای که صهیونیسم را نژادپرستی اعلام می‌کرد، در سال ۱۹۷۵ موفق بود که هدف آن تضعیف مشروعیت اسرائیل بود. با این حال، این قطعنامه به نتیجه‌ای نرسید (سرانجام در سال ۱۹۹۱ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد لغو شد) و موضع رادیکال سازمان همکاری اسلامی متوقف شد و به تدریج از بین رفت.

در مرحله سوم و کنونی که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است، سازمان همکاری اسلامی به موضع پیش از ۱۹۷۳ خود بازگشت: اگرچه به طور رسمی این کار را نکرد، اما اسرائیل را به طور دفاکتو به رسمیت شناخت و از روند صلح اسلو حمایت کرد و اصطلاح جهاد را از قطعنامه‌های خود حذف کرد. علاوه بر این، به موازات قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، سازمان همکاری اسلامی راه حل دو دولت را پذیرفت که در آن یک دولت فلسطینی با ویژگی‌های زیر ترسیم شده بود: مرزهای ۱۹۶۷، پایتخت در قدس شرقی و حق بازگشت برای پناهندگان فلسطینی. بیانیه نهایی اجلاس اسلامی ۲۰۱۳ (قاهره) به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در درخواست‌های خود از اسرائیل و حمایت از فلسطینیان اشاره می‌کند. بیست بند این بیانیه جزئیات موضع فعلی سازمان همکاری اسلامی را شرح می‌دهد. در این موضع جدید، سازمان همکاری اسلامی برای حمایت از فلسطین و مبارزه با اسرائیل، می‌تواند به توجه به پتانسیل خود به راهکارهای زیر متوسل شود.

۳-۱. تأسیس صندوق‌ها و نهادهای حمایتی برای فلسطین

سازمان همکاری اسلامی طی دهه‌ها با تأسیس صندوق‌ها و نهادهای مختلف حمایتی، نقش مؤثری در حمایت از مردم فلسطین ایفا کرده است. این اقدامات به منظور تقویت مقاومت فلسطینیان در برابر اشغالگری و تأمین منابع مالی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فلسطین صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین این نهادها، صندوق همبستگی اسلامی است که در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد. این صندوق به منظور حمایت از پروژه‌های توسعه‌ای و آموزشی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و تقویت حضور فلسطینی‌ها در این مناطق ایجاد شد. کمک‌های این صندوق به آموزش و بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و اجتماعی در فلسطین تأثیر قابل توجهی در حفظ هویت ملی و فرهنگی فلسطینیان داشته است. علاوه بر این، بانک توسعه اسلامی^۱ به عنوان یکی از نهادهای مالی کلیدی سازمان، در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای در فلسطین و ارائه وام‌های بدون بهره برای پروژه‌های

زیربنایی و مسکن نقش مهمی ایفا کرده است. این بانک منابع مالی قابل توجهی را برای بهبود زیرساخت‌ها، توسعه بخش‌های بهداشتی و آموزشی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای فلسطینیان اختصاص داده است. صندوق جهاد برای فلسطین که پیش‌تر به عنوان صندوق فلسطین شناخته می‌شد، نیز به طور ویژه برای حمایت مالی از مبارزات فلسطینیان و تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های مرتبط با حقوق فلسطین و پروژه‌های انسانی و توسعه‌ای در سرزمین‌های اشغالی ایجاد شده است. این صندوق، از زمان تأسیس خود، به حمایت از پروژه‌های مختلفی پرداخته که هدف آن‌ها ارتقاء سطح زندگی و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی فلسطین است. به طور کلی، تأسیس این نهادها و صندوق‌ها نشان‌دهنده تعهد مستمر سازمان همکاری اسلامی به حمایت از حقوق و نیازهای مردم فلسطین است و این نهادها نقش اساسی در پیشبرد اهداف انسانی و توسعه‌ای در منطقه فلسطین دارند.

۳-۲. ایجاد امنیت دسته‌جمعی

مفید بودن صلح و امنیت بین‌المللی، اقتضای مشارکت کلیه دولت‌ها در حفظ و اعاده آن را دارد که همین امر سبب پیش‌بینی «نظام امنیت جمعی» در فصل هفتم منشور سازمان ملل شده است (بیگ زاده، ۱۳۹۱: ۵۱۶-۵۱۷). با ملاک قرار دادن اقدامات پیش‌بینی شده در منشور سازمان ملل متحد که به اقدام‌های قهری نظامی و اقدام‌های قهری غیرنظامی تقسیم می‌شود، سازمان همکاری اسلامی نیز می‌تواند با هدف «هماهنگی و متحد کردن تلاش‌های کشورهای عضو در برابر چالش‌های پیش‌روی جهان اسلام و جامعه بین‌المللی» (ماده ۱ منشور سازمان همکاری اسلامی)، اقدام به ایجاد نظام امنیت جمعی برای مقابله با تجاوز اسرائیل نماید که سازمان نیز طرح سه منظوره سیاسی، اقتصادی و نظامی را برای حل مسئله فلسطین طرح‌ریزی کرده است.

۳-۲-۱. جهاد سیاسی

بیانیه پایانی سومین اجلاس سران، کلیه مسلمانان را جهت دفاع از بیت المقدس، حمایت از مردم فلسطین و وادار نمودن اسرائیل به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی، دعوت به «اعلامیه جهاد مقدس»^۱ نمود. البته چون نظریه جهاد، عملیات نظامی علیه اسرائیل را شامل نمی‌شد، لذا جهادی که از سوی سازمان همکاری‌های اسلامی علیه

1. Declaration of the Holy Jihad.

اسرائیل اعلام شده بود به معنی انجام کلیه تلاش‌های ممکن علیه این رژیم بود. و در راستای انجام جهاد سیاسی علیه اسرائیل، چهار معاون برای دبیر کل سازمان منصوب شد.

۳-۲. تحریم اقتصادی اسرائیل

تحریم اقتصادی از دیرباز، به‌عنوان ابزاری حمایتی و گاه تنبیهی در اختیار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با هدف اعمال فشار بر یک دولت جهت گردن نهادن بر خواسته‌های تحریم‌کنندگان بوده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی نیکاراگوئه علیه آمریکا (سال ۱۹۸۶)، اذعان داشت که نظام حقوق بین‌المللی، دولت‌ها را ملزم به داشتن روابط تجاری نمی‌کند؛ لذا تحریم اقتصادی، فی‌نفسه اقدامی مغایر حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود (زمانی، ۱۳۹۶: ۳۷۴-۳۷۷).

در کنفرانس تأسیس سازمان، سودان و لیبی خواستار قطع تمام روابط با اسرائیل بودند، اما کنفرانس که مایل بود از موضعی متعادل‌تر برخورد نماید، در قطعنامه نهایی خود بر عقب‌نشینی اسرائیل به پشت مرزهای ۱۹۶۷، به معنای قبول موجودیت اسرائیل در محدوده‌ای کوچک‌تر، تأکید شد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۸). اتخاذ موضع متعادل، باعث شده است که نه‌تنها در منشور سازمان همکاری اسلامی در رابطه با تحریم دسته‌جمعی اسرائیل، هیچ مقرره‌ای پیش‌بینی نشده باشد، بلکه منشور فاقد یک سیستم تحریمی معین علیه اعضای است که منشور سازمان را نقض می‌کنند (سیدالسلیم و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۳۶) در سومین کنفرانس وزرای خارجه در ۱۹۷۲-جده یکی از شش تصمیم مهمی که در مورد فلسطین گرفته شد، استفاده از تحریم‌های اقتصادی، در برابر اسرائیل توسط همه کشورهای عضو بود.^۱

سازمان، روابط کشورهای مسلمان با اسرائیل را نظارت کرده و هنجار حامی فلسطین را حفظ کرده است، اگرچه این سازمان از ابزار کافی برای اجرای قطعنامه‌های خود و مجازات اعضایش برخوردار نیست، ولی اعضای خود را برای معرفی و محکوم کردن کسانی که از موضع حامی فلسطین منحرف شده‌اند یا تلاش کرده‌اند روابط

۱. دفتر تحریم اسرائیل (Bureau Israel of Boycott Islamic) که از جمله کارهای آن درخواست از کشورهای جهان در رعایت قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت و عدم انتقال سفارت به قدس شریف است. قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۰ تصویب شد، سندی بین‌المللی درباره سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل است. این قطعنامه با ۱۴ موافق، بدون مخالف و ۱ ممتنع تصویب شد. در این قطعنامه تأکید شده است که کسب مالکیت یک سرزمین با زور غیرقابل قبول است و نگرانی عمیق درباره تصویب «حقوق پایه» (Basic Law) در کنست اسرائیل که مدعی تغییر در ویژگی و وضعیت شهر مقدس اورشلیم (بیت‌المقدس) و برقراری لوازم خاص تأمین طرح و امنیت آن، شده است، وجود دارد.

خود را با اسرائیل بهبود بخشند، بسیج کرده است و حتی گاهی از اجبار اقتصادی نیز استفاده کرده است. به عنوان مثال، پس از توافق نامه های کمپ دیوید که منجر به پیمان صلح مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ شد، عضویت مصر را به حالت تعلیق در آورد و آن را به خیانت به مسئله فلسطین متهم کرد. قطعنامه سازمان همکاری اسلامی از کشورهای عضو خواست تا «تمام یارانه ها به مصر را قطع کنند». ترکیه نیز در اجلاس اسلامی ۱۹۹۷ به دلیل انجام رزمایش نظامی مشترک با اسرائیل مورد انتقاد شدید قرار گرفت. علاوه بر این، سازمان همکاری اسلامی در آستانه اجلاس اسلامی دوحه در سال ۲۰۰۰، دفتر بازرگانی اسرائیل در قطر را مجبور به تعطیلی کرد. کشورهای آلبانی، کامرون، توگو و بوسنی و هرزگوین به عنوان ناظر در سازمان همکاری اسلامی، همگی در انتشارات و مجامع سازمان همکاری اسلامی به دلیل رأی ممتنع در رأی گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ که در آن این کشورها به جای حمایت کامل از وضعیت ناظر غیرعضو فلسطین در سازمان ملل متحد، مورد انتقاد قرار گرفته اند.

۳-۲-۳. اقدام نظامی

در دوازدهمین اجلاس وزرای امور خارجه (۱۹۸۱)، تأسیس «دفتر اسلامی برای هماهنگی نظامی با فلسطین»^۱ بین ساف و کشورهای خط مقدم و سایر کشورهای اسلامی و همچنین بحث و مذاکره کشورهای عضو در زمینه تأمین تجهیزات نظامی ساف صورت گرفت.

در سومین اجلاس سران در ۱۹۸۱ در مکه، قطعنامه «تلاش برای اطمینان از تعادل استراتژیک نظامی با دشمن صهیونیستی»، (Resolution 1/3-P(IS), 1981) ضمن تکرار درخواست هماهنگی نظامی بین کشورهای خط مقدم و ساف، توصیه نمود که استفاده کاملی از پتانسیل نظامی تمام کشورهای اسلامی در حمایت از ساف صورت گیرد و ساف با متخصصین نظامی و تجهیزات تأمین گردد؛ که در راستای این هماهنگی نظامی، با تأسیس «دفتر نظامی» در دبیرخانه توافق شد. این قوی ترین قطعنامه نظامی اتخاذ شده توسط سازمان همکاری اسلامی است. این استراتژی سه بعدی سازمان برای تسریع حل مسئله فلسطین در صحنه عمل و در عالم واقع با مشکلات عدیده ای مواجه است. با توجه به اینکه، نخستین اجلاس سران (۱۹۶۹) به اتخاذ یک راه حل صلح آمیز و مبتنی بر عدالت تأکید کرده است، استراتژی نظامی سازمان هرگز اجرا نشد. نخستین سال های دهه ۱۹۹۰ شاهد گویایی بر تغییرات قابل ملاحظه در خط مشی سازمان در این خصوص است که سازمان برای حل مسئله فلسطین همان

1. Islamic office for military coordination with Palestine.

موضع اعتدال و راه حل صلح‌آمیز و عادلانه را پذیرفته است. به همین دلیل، ضمن اینکه سازمان مذاکرات صلح فلسطین-اسرائیل و کنفرانس صلح را پذیرفته، لیکن هنوز در خصوص لزوم بازگشت و اعاده بیت المقدس تحت حاکمیت اعراب اصرار می‌ورزد (سیدالسلیم و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۸-۶۵). برخلاف سازمان ملل که می‌تواند از مشوق‌ها یا مجازات‌ها استفاده کند، سازمان همکاری اسلامی فقط قادر به استفاده از مشوق‌ها است: این سازمان فاقد قدرت رسمی و توانایی نظامی برای اجرای توافقات است. بنابراین، به جای قدرت نظامی، به اعتبار اخلاقی و مشوق‌های مالی متکی است.

۳-۳. دفاع حقوقی سازمان از فلسطین

سازمان همکاری اسلامی با مبادرت به راه کارهای حقوقی می‌تواند از مردم فلسطین دفاع نماید. این سازمان نقش برجسته‌ای در جلوگیری از تبدیل راه حل‌های عملی اسرائیل به یک واقعیت قانونی مورد قبول بین‌المللی ایفا کرده است. موفقیت‌های سازمان همکاری اسلامی در این زمینه از طریق رهبری آن در تصویب قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل حاصل شده است که کنترل اسرائیل بر قدس شرقی و اراضی اشغالی فلسطین را نفی می‌کنند.

۳-۳-۱. فعال کردن ابزارهای نظارت

اصولاً و به طور سنتی دو نوع ابزار نظارت غیر حقوقی و حقوقی در مقابل یکدیگر قرار دارند؛ چنین تفکیکی، بر پایه ماهیت اختلاف‌ها قرار دارد که هدف ابزار نخست، مقابله با اختلاف‌های سیاسی است و هدف ابزار دوم، حل و فصل اختلافات حقوقی است (کارو، ۱۳۷۵: ۴۳۵). در سازمان همکاری اسلامی هیچ ابزار نظارتی بر اعمال کشورهای عضو وجود ندارد. برای حل این معضل می‌توان به دبیرخانه اختیارات بیشتری داد و یا با تعریف نظام تنبیهی، در صورتی که عضوی با مصوبات الزام‌آور سازمان همکاری نکرد، بتوان از این راه برای یکپارچگی درون سازمانی اقدام نمود. لذا عدم الزام‌آور بودن مصوبات سازمان به مشکلات نظارتی می‌افزاید که بایستی در مورد امور اساسی برای قطعنامه‌های آن ارزش الزامی قائل شد.

۳-۳-۲. دفاع از حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین

مقدمه منشور بر حمایت از مبارزه مردم فلسطین تأکید دارد. در ماده ۱ به حمایت از اعاده حاکمیت کامل و تمامیت ارضی هر کشور عضو تحت اشغال در نتیجه تجاوز، بر اساس قوانین بین‌المللی و همکاری با سازمان‌های

بین‌المللی و منطقه‌ای مربوطه و حمایت و توانمندسازی مردم فلسطین در جهت احقاق حق تعیین سرنوشت و ایجاد کشور مستقل، در ضمن حفظ شخصیت تاریخی و اسلامی و مکان‌های مقدس آن پرداخته شده است. تجاوز اسرائیل به خاک فلسطین و اشغال آن، نقض حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود؛ بنابراین سازمان نیز اشغال بیت‌المقدس در سال ۱۹۶۷ توسط نیروهای نظامی صهیونیستی را مخالف صریح اصول حقوق بین‌الملل دانسته و تنها شرط تضمین برقراری صلح در منطقه را خروج نیروهای اشغالگر اسرائیلی از این شهر می‌داند. سازمان مسئله فلسطین را محور اصلی بحران خاورمیانه قلمداد نموده و مبارزه مردم فلسطین برای احقاق حقوق و تشکیل کشور مستقل فلسطین تحت رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین را،^۱ حق قانونی آن‌ها دانسته و اعلام نموده که تا عقب‌نشینی کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده پس از سال ۱۹۶۷، هیچ‌گونه صلح واقعی در منطقه برقرار نخواهد شد. درعین‌حال، روش سازمان، حل این مشکل از طریق اقدام سازمان‌های بین‌المللی بوده و عدم اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط اسرائیل را نقض حقوق فلسطینی‌ها و اعراب دانسته و معتقد است که حل مسئله فلسطین از جمله وظایف و مسئولیت‌های جامعه بین‌الملل است (سیدالسلیم و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۲-۶۴).

این سازمان از قطعنامه ۳۳۷۶ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۷۵) حمایت کرد که «کمیته سازمان ملل برای اجرای حقوق غیرقابل انکار مردم فلسطین» را تأسیس کرد، کمیته‌ای که مسئول تسهیل خودمختاری فلسطینیان و حق بازگشت پناهندگان بود. همچنین از قطعنامه ۴۰/۳۲ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۷۷) که ۲۹ نوامبر را به‌عنوان روز بین‌المللی همبستگی با مردم فلسطین اعلام کرد، حمایت نمود. این سازمان در کمک به فلسطین

۱. سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به عربی: منظمة التحرير الفلسطينية، کنفدراسیونی از احزاب فلسطینی است که در سال ۱۹۶۴ تأسیس شده و در بیشتر کشورهای جهان به‌عنوان نماینده رسمی مردم فلسطین شناخته می‌شود.

۲. پس از شروع جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) که منجر به شکست اعراب و اشغال کرانه غربی، نوار غزه و بیشتر بلندی‌های جولان و شبه‌جزیره سینا به‌وسیله اسرائیل گردید، شورای امنیت قطعنامه ۲۴۲ را تصویب نمود تا زمینه‌ای برای مذاکرات بعدی و حل نهایی مشکل خاورمیانه باشد. این قطعنامه بر غیرقابل قبول بودن تحصیل قلمرو به‌وسیله جنگ و تلاش برای یافتن صلح دائم تأکید شده است تا همه کشورهای منطقه بتوانند در امنیت به سر برند. بر اساس این قطعنامه برقراری و دوام صلح به اصول زیر بستگی دارد:

۱. عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌هایی که در جنگ اخیر به اشغال درآورده است؛

۲. احترام به حاکمیت، تمامیت اراضی و استقلال سیاسی همه کشورهای منطقه و زندگی صلح‌آمیز در مرزهای شناخته شده؛

۳. تضمین آزادی کشتیرانی در آب‌راه‌های بین‌المللی منطقه؛

۴. حل عادلانه مسئله پناهندگان (فلسطین).

برای به دست آوردن عضویت کامل در یونسکو و وضعیت ناظر غیرعضو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد فعال بوده است.

نشست فوق‌العاده وزرای امور خارجه در مارس ۲۰۲۴، بر حمایت از حق تعیین سرنوشت و استقلال و تشکیل دولت مستقل فلسطین در امتداد ۱۹۶۷، تأکید مجدد نمود (OIC, 2024: 2). اجلاس سران در اعلامیه بانجول ماه مه ۲۰۲۴، حمایت قاطع خود را از مردم فلسطین در مبارزه مشروع آن‌ها برای دستیابی به حقوق غیرقابل انکار خود، از جمله حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل، تکرار می‌کند. در واقع سازمان همکاری اسلامی به صورت دی‌فاکتو موجودیت اسرائیل در محدوده مرزهای ۱۹۶۷ را پذیرفته است و در آخرین اجلاس‌ها و بیانیه‌های خود بر راه حل دو کشوری بر اساس مرزهای پیش از سال ۱۹۶۷ با پایتختی قدس شرقی برای فلسطین تأیید می‌کند (Resolution, 2023: 8).

۳-۳-۳. شناسایی رژیم صهیونیسم به عنوان رژیم نژادپرست

دستور کار نخستین اجلاس وزرای خارجه در جده (مارس ۱۹۷۰)، تحت تأثیر مسئله فلسطین، سوزاندن مسجدالاقصی و بی‌اعتنایی اسرائیل به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و شورای امنیت در مورد اشغال بیت‌المقدس و سرزمین‌های عربی بود. دو تصمیم عمده این کنفرانس، نام‌گذاری ۲۱ آگوست هر سال (روز سوزاندن مسجدالاقصی) به عنوان روز همبستگی با مبارزات مردم فلسطین و محکومیت صهیونیسم به عنوان یک جنبش نژادی، جنگ طلب و توسعه طلب که در تضاد با اندیشه‌های بشری و یک تهدید دائم برای صلح جهانی است، بود (RESOLUTION, 1969: 4).

سازمان از دیدگاه حقوق بشری به محکومیت رژیم اسرائیل پرداخته و با استناد به اصل برابری نژادی که جزو اصول پذیرفته شده حقوق بشر محسوب می‌گردد، اسرائیل را با رژیم آفریقای جنوبی مقایسه و هر دو کشور را به نقض این حق بنیادین محکوم کرده است. سازمان در نهمین کنفرانس وزرای خارجه در داکار-سنگال (۱۹۷۸)، با استناد به قطعنامه ۳۳۷۹ (XXX) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۷۵ که اسرائیل را رژیمی نژادپرست می‌داند، با توجه به دیگر قطعنامه‌ها و اسناد حقوق بین‌الملل، رژیم اسرائیل را نژادپرست دانسته و به تبعیض نژادی محکوم نمود (Resolution, N.19/9). برخورد حقارت‌آمیز نسبت به تمامی اقوام و ملت‌های دیگر، تاروپود ایدئولوژی صهیونیسم را تشکیل می‌دهد. این ایدئولوژی بر پایه اندیشه غیرعملی «منحصر و

بی‌همتا بودن قوم یهود» بنا شده است؛ به این ترتیب، نژادپرستی و صهیونیسم دو روی یک سکه‌اند (خداوردی، ۱۳۸۴: ۲۴-۱۳).

۳-۳-۴. حمایت از فلسطین در مجامع بین‌المللی و طرد رژیم اسرائیل

سازمان همکاری اسلامی در تلاش‌های خود برای حمایت از مسئله فلسطین، به‌طور مداوم سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به‌عنوان تنها نماینده فلسطینیان ترویج و در میان مسلمانان ارتقا داد. چهارمین کنفرانس وزرای خارجه (۱۹۷۳)، ضمن تصمیم به قبول ساف به‌عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین، از اعضای خود خواست تا اقدام به گشایش دفاتر ساف کنند. این کنفرانس بر جهاد برای آزادی قدس تأکید کرد و نام صندوق فلسطین^۱ به صندوق جهاد برای فلسطین^۲ تغییر یافت. از کلیه کشورهای عضو درخواست قطع روابط با اسرائیل و در صورت شناسایی این رژیم، پس گرفتن شناسایی آن شد.

سازمان همکاری اسلامی همچنین تلاش‌هایی برای به چالش کشیدن مشروعیت اسرائیل داشته است. ششمین اجلاس وزرای امور خارجه (۱۹۷۵)، تلاش جدی جهت اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد و ارگان‌های وابسته آغاز نمود و هم‌زمان سعی نمود تا ساف، به‌عنوان عضو ناظر سازمان ملل متحد پذیرفته شود. اعلام قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل با دیپلماسی فعال سازمان همکاری اسلامی مواجه شد که افکار عمومی جهانی را علیه تصمیم یک‌جانبه اسرائیل برانگیخت. اعضای سازمان همکاری در اولین نشست اضطراری در امان-اردن (۱۹۸۰)، خواستار جهاد علیه اشغال قدس توسط اسرائیل شدند و در دومین نشست اضطراری در فاس، مراکش (۱۹۸۰)، دفتر اسلامی برای تحریم اسرائیل را ایجاد کردند. سازمان همکاری اسلامی همچنین تهدید کرد که اعضای آن روابط دیپلماتیک خود را با هر دولتی که سفارت خود را به قدس منتقل کند، قطع خواهند کرد. این سازمان همچنین به شورای امنیت سازمان ملل متحد فشار آورد تا قطعنامه ۴۷۶ (۱۹۸۰) را تصویب کند که اعلام می‌کرد انتقال پایتخت اسرائیل به قدس نقض قوانین بین‌المللی است. متعاقباً، سازمان همکاری اسلامی برای تصویب قطعنامه ۴۷۸ (۱۹۸۰) تلاش کرد که اسرائیل را به دلیل انتقال پایتخت خود به قدس محکوم نموده و از کشورهای عضو خواست که سفارت‌های خود را به قدس منتقل نکنند یا در صورت انتقال، آن‌ها را به

1. Palestinian Fund.

2. Jihad Fund for Palestine.

تل‌آویو بازگردانند. هر دو قطعنامه، علی‌رغم رأی ممتنع ایالات متحده، با رأی ۱۴ به صفر در شورای امنیت تصویب شد. در نهایت، هر ۱۳ کشوری که سفارت‌های خود را به قدس منتقل کرده بودند، آن‌ها را به تل‌آویو بازگردانند. سازمان همکاری اسلامی در سازمان ملل، اغلب با بسیج اعضای خود، اعضای اتحادیه آفریقا و اعضای جنبش عدم تعهد،^۱ احساسات ضد اسرائیلی را تقویت کرده است. به عنوان مثال، در جریان حمله اسرائیل به غزه (دسامبر ۲۰۰۸ و ژانویه ۲۰۰۹)، تلاش‌های سازمان همکاری اسلامی شامل برگزاری جلسات در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر بود. با حمایت سازمان همکاری اسلامی، شورای حقوق بشر قطعنامه‌ای را تصویب کرد که حمله اسرائیل را محکوم می‌کرد و دستور تحقیق در مورد نقض حقوق بشر مرتبط با حمله اسرائیل را صادر نمود. نتیجه این تحقیق، گزارش گلدستون بود که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. این گزارش نیروهای دفاعی اسرائیل و شبه‌نظامیان حماس را به ارتکاب جنایات جنگی و جنایات احتمالی علیه بشریت متهم کرد. به طور مداوم بر اسرائیل و اراضی اشغالی فلسطین در شورای حقوق بشر متمرکز شده و موفق شده است که اسرائیل را در دستور کار دائمی شورای حقوق بشر قرار دهد، تنها کشوری که در دستور کار دائمی است و تنها موضوعی است که بدون محدودیت زمانی در آنجا مطرح شده است.

گزارش شورای حقوق بشر، با تحلیل الگوهای خشونت و سیاست‌های اسرائیل در حمله هفتم اکتبر، به این نتیجه می‌رسد که دلایل معقولی برای باور به برآورده شدن آستانه ارتکاب نسل‌کشی توسط اسرائیل وجود دارد. یکی از یافته‌های کلیدی این است که رهبری اجرایی و نظامی اسرائیل و سربازان آن به طور عمدی اصول حقوق جنگ (jus in bello) را تحریف کرده و عملکردهای حفاظتی آن‌ها را به منظور مشروعیت بخشیدن به خشونت نسل‌کشی علیه مردم فلسطین، زیر سؤال برده‌اند. ماهیت و مقیاس فجایع، شواهد قوی از نیت نسل‌کشی را فراهم می‌آورند. سخنان مقامات دولتی، از جمله زبان‌های تحقیرآمیز، به همراه اعمال، به عنوان مبنایی برای این استنباط نیت در نظر گرفته می‌شوند. در حمله اخیر به غزه، شواهد مستقیم از نیت نسل‌کشی به طور منحصربه‌فردی وجود دارد. بیانیه‌های نسل‌کشی تند، جمعیت کل را به عنوان دشمنی که باید حذف و به‌زور جابجا شود، تصویر کرده است (Human Rights Council, 2024: 1&12).

۳-۳-۵. طرح مسئله در شورای امنیت سازمان ملل

سازمان ملل به همکاری‌های بیشتر با سازمان‌های منطقه‌ای در مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی علاقه‌مند است. این تغییر به سمت همکاری بیشتر با سازمان‌های منطقه‌ای با سند «دستور کار برای صلح» و تلاش‌ها برای توسعه روش‌های جدیدی که سازمان ملل می‌تواند در برخورد با درگیری‌ها استفاده کند، مرتبط است. نقش بالقوه سازمان‌های منطقه‌ای در کمک به شورای امنیت برای مقابله با درگیری‌ها در فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است (Boulde, 2003: 11). سازمان همکاری اسلامی می‌تواند از این ایده که سازمان‌های منطقه‌ای نقش مهمی در صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کنند، بهره‌برداری کرده و اسرائیل را به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت مطرح نماید. هرچند این مسئله با توجه به حمایت بی‌چون‌وچرای آمریکا از اسرائیل تحت تأثیر هژمونی ایالات متحده قرار می‌گیرد، تعداد بالای کشورهای اسلامی در مجمع عمومی ممکن است به استفاده از قطعنامه اتحاد برای صلح کمک کند. بیانیه مشترک سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب، شورای امنیت سازمان ملل را به اتخاذ قطعنامه‌های الزام‌آور برای پایان دادن به تجاوزهای اسرائیل ترغیب کرده و خواستار اقدام‌های حقوقی بین‌المللی علیه جنایات جنگی اسرائیل، از جمله مشارکت دادگاه کیفری بین‌المللی، می‌شود (Resolution, 2023: 4).

۳-۳-۶. پی‌گیری مسئله غزه در دادگاه‌های بین‌المللی

مسئله غزه از جنبه‌های مختلفی قابلیت طرح در دیوان‌های بین‌المللی از جمله مهم‌ترین آن‌ها یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی را دارد. به عنوان نمونه محاصره خصوصاً از سال ۲۰۰۷ و اشغال طولانی مدت این سرزمین در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ساخت دیوار حائل (۲۰۰۴)، نقض تعهدات اسرائیل بر اساس حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دانسته شد (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). البته با توجه به محدودیت صلاحیتی هر دو دادگاه بین‌المللی برای طرح دعوا توسط سازمان همکاری اسلامی، بهترین راهکار درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری توسط مجمع عمومی با حمایت کشورهای اسلامی یا طرح دعوا توسط کشورهای عضو است. همان‌گونه که این امر به درستی توسط سازمان در حمایت خود از پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در ICJ نشان داده شد. در پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل (۲۰۲۴)، دیوان در ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴ در خصوص درخواست تدابیر موقتی، طی حکمی به اسرائیل دستور داد همه تدابیر را برای جلوگیری از هرگونه کنشی که بنابر کنوانسیون نسل‌کشی ممکن

است نسل‌کشی محسوب شود اتخاذ کند؛ همچنین دیوان به این نتیجه رسید که اسرائیل، مطابق با تعهداتش بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی، فوراً باید تهاجم نظامی خود و هر اقدام دیگری در رفح را متوقف کند (SOUTH v. ISRAEL, 2024: 13).

اقدام دیوان کیفری بین‌المللی در ثبت تقاضای جلب بنیامین نتانیاهو و گالانت توسط شعبه پیش دادرسی، بر این مبنا که دادستان دیوان به این باور رسیده که نخست‌وزیر رژیم اسرائیل، نتانیاهو و وزیر جنگ و دفاع آن، یوآف گالانت، در قلمروی سرزمینی فلسطین مرتکب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شده‌اند؛ نشان می‌دهد که پویایی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در دادگاه‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه را برای ایجاد حقوق مردم فلسطین هموار سازد.

۳-۷. حمایت از حقوق بشردوستانه مردم فلسطین

چندین جنگ بین اسرائیل و فلسطین و نقض حقوق افراد غیرنظامی به‌طور گسترده توسط اسرائیل، الزام حقوقی را برای کشورهای عضو سازمان ایجاد کرده است تا به حمایت حقوق بشردوستانه مردم فلسطین بپردازند. تعهد سازمان همکاری اسلامی به اقدامات بشردوستانه در منشور این سازمان، به رسمیت شناخته شده است که فصل ۱، ماده ۱ (۱۹) بیان می‌کند که یکی از اهداف این سازمان «همکاری و هماهنگی در مواقع اضطراری بشردوستانه» است. سازمان همکاری اسلامی در سال‌های گذشته به انواع مختلفی از اقدامات بشردوستانه پرداخته و نهادهای سازش این فعالیت‌ها در دهه گذشته رخ داده است. در یک اجلاس فوق‌العاده سران (سال ۲۰۰۵)، برنامه ده‌ساله اقدام سازمان همکاری اسلامی را تصویب کردند که اصول راهنمای مشارکت و فعالیت‌های این سازمان در حوزه بشردوستانه را تعیین می‌کرد. در همین راستا، شورای وزیران خارجه (ژوئن ۲۰۰۸)، قطعنامه شماره C-۳۵/۱۱ را تصویب کرد. همچنین سازمان همکاری اسلامی به مدت طولانی کاروان‌های بشردوستانه‌ای را با همکاری هلال‌احمر هاشمی به غزه ارسال کرده است (Sezgin&Dijkzeul, 2016: 312-313).

از زمان آغاز مخاصمه هفتم اکتبر ۲۰۲۳، سازمان علاوه بر اجلاس سران، به برگزاری نشست فوق‌العاده وزرای امور خارجه نموده است. در اجلاس سران در اعلامیه بانجول ۲۰۲۴، خواستار آتش‌بس فوری و بدون قید و شرط و توقف تجاوز همه‌جانبه علیه مردم فلسطین در غزه شده و بر کمک‌های بشردوستانه و باز کردن مسیرهای بشردوستانه برای تحویل فوری و بدون مانع کمک‌های ضروری به نوار غزه تأکید نمود. همچنین بر رد قاطعانه و مقابله با هرگونه تلاش برای جابجایی اجباری، اخراج یا انتقال مردم فلسطین از سرزمین‌هایشان تأکید کرد.

(OIC/SUM,2024). در نشست فوق العاده وزرای امور خارجه در مارس ۲۰۲۴، اسرائیل را به نقض تمام نرم‌ها و قواعد بشردوستانه از قبیل هدف قرار دادن غیرنظامیان و تحمیل گرسنگی و اجبار به ترک خانه‌ها، محکوم نموده و از دولت‌های و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه می‌خواهد تا این نقض را محکوم نمایند (OIC/19EXCFM,2024).

همچنین در جلسه فوق العاده در سطح وزرای امور خارجه در جده-عربستان سعودی (۷ اوت ۲۰۲۴)، ضمن محکومیت جنایات جنگی و نسل‌کشی ادامه‌دار اسرائیل در نوار غزه و کرانه باختری، قتل آقای اسماعیل هنیه را محکوم کرده و اسرائیل را به‌طور کامل مسئول این حمله شنیع دانسته که نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل و نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. از سازمان ملل و شورای امنیت برای پایان دادن به تجاوزهای اسرائیل علیه مردم فلسطین و تأمین دسترسی مناسب و پایدار به کمک‌های انسانی در نوار غزه و حفاظت از غیرنظامیان فلسطینی بی‌دفاع درخواست نمود (Final Communiqué, August 7, 2024). همین نشست دلیل آشکاری از ظرفیت سازمان بر حمایت از کشورهای عضو نظیر ایران در مسائل مرتبط با اهداف اصلی سازمان است. سازمان در تمامی مدت بعد از هفتم اکتبر به خوبی بر نیاز مبرم توجه کمک‌های بشردوستانه تأکید نموده است. جابجایی اجباری گسترده جمعیت غیرنظامی فلسطین، تلاش‌های حمایتی انسانی از طریق مرکز کمک‌های بشردوستانه، احترام به اصول انسانی و حفاظت از کارکنان بین‌المللی و افراد غیرنظامی را که از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه است، یادآوری نموده است (Jerusalem and the Gaza War, 2024: 3-4).

نتیجه‌گیری

سازمان همکاری اسلامی، به‌عنوان دومین نهاد بین‌المللی بزرگ جهان، با ظرفیت بالقوه چشمگیری در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پا به عرصه وجود گذاشت. با این حال، عملکرد این سازمان در مواجهه با جنایات اسرائیل در غزه و حمایت از آرمان فلسطین، با محدودیت‌های قابل توجهی روبه‌رو بوده است. تحلیل نقاط قوت و ضعف این سازمان نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های نمادین و بیانیه‌های پرشور، عوامل متعددی مانع از آن شده‌اند که اهداف اعلام شده به نتایج ملموس و کارآمد بدل گردند.

در بررسی ساختار و عملکرد سازمان همکاری اسلامی، نقاط ضعف متعددی آشکار می‌گردد. نخست، اختلافات داخلی و واگرایی میان اعضا به‌عنوان یک مانع اساسی در همگرایی سازمان عمل می‌کند. تنوع

ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی در میان ۵۷ کشور عضو، دستیابی به وحدت رویه را دشوار ساخته است. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی، ایران و ترکیه برای کسب نفوذ در سازمان، اغلب اولویت‌های ملی را بر منافع جمعی اعضا غالب ساخته است. توافق‌نامه‌های عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل، همچون «موافقت‌نامه ابراهیم» در سال ۲۰۲۰، نمونه بارزی از این واگرایی و شکاف در مواضع کشورهای عضو است. علاوه بر این، وابستگی به نظام بین‌المللی غرب به عنوان یک محدودیت ساختاری دیگر، کشورهای اسلامی را به بازیگران ضعیفی مبدل کرده است که ناگزیر از پیروی از نظم موجود هستند. حمایت بی‌دریغ ایالات متحده از اسرائیل، عملاً هرگونه اقدام جدی سازمان همکاری اسلامی در شورای امنیت سازمان ملل را خنثی می‌سازد. همچنین باید به عدم الزام‌آور بودن تصمیمات سازمان اشاره نمود؛ تصمیمات این سازمان فاقد سازوکار اجرایی لازم است و از این رو، کشورهای عضو در صورت تعارض با منافع ملی خود، به راحتی از اجرای آن‌ها سر باز می‌زنند. ناکامی در اجرای کامل قطعنامه‌های تحریم اقتصادی اسرائیل، گواهی بر این مدعاست. در نهایت، ضعف منابع مالی و انسانی نیز از دیگر نقاط ضعف ساختاری سازمان به شمار می‌رود. علی‌رغم تأسیس صندوق‌هایی مانند صندوق همبستگی اسلامی، وابستگی مالی به کشورهای خاص، به‌ویژه عربستان سعودی، سبب گرایش محافظه‌کارانه و کاهش استقلال عمل سازمان شده است.

در کنار نقاط ضعف، سازمان همکاری اسلامی از نقاط قوت و فرصت‌هایی نیز برخوردار است. این سازمان در عرصه حمایت حقوقی بین‌المللی و مشروعیت‌زدایی از اشغالگری اسرائیل، عملکرد قابل توجهی داشته است. حمایت از پرونده‌های حقوقی در دیوان کیفری بین‌المللی، از جمله درخواست تحقیق درباره جنایات جنگی اسرائیل در غزه و تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، مانند قطعنامه ۴۷۸ درباره قدس، نمایانگر ظرفیت دیپلماتیک سازمان است. سازمان همکاری اسلامی همچنین در ایجاد هنجارهای حامی فلسطین موفق عمل کرده و مسئله فلسطین را از یک دغدغه صرفاً عربی به یک مسئله جهانی بدل ساخته است. با بسیج کشورهای اسلامی و جنبش عدم تعهد، این سازمان توانسته است فشار سیاسی بر اسرائیل را افزایش دهد. علاوه بر این، سازمان همکاری اسلامی در اقدامات بشردوستانه نیز نقش ایفا کرده است. ارسال کمک‌های انسانی به غزه از طریق نهادهایی مانند هلال احمر، هرچند محدود، نشان از تعهد عملی این سازمان به کاهش آلام غیرنظامیان دارد. با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف سازمان همکاری اسلامی، برای تبدیل شدن به یک بازیگر مؤثرتر در آینده، تحولات بنیادین ضروری به نظر می‌رسد. تقویت همگرایی عملی از طریق ایجاد سازوکارهای اجرایی

الزام آور، مانند نظام تحریم های مشترک یا کمک های نظامی هماهنگ، می تواند توانمندی های سازمان را به نحو چشمگیری ارتقا بخشد. بهره گیری مداوم از ظرفیت های حقوقی و پیگیری مستمر پرونده های بین المللی علیه اسرائیل در دیوان های کیفری و دادگستری بین المللی، می تواند به طور پیوسته مشروعیت این رژیم را زیر سؤال ببرد. اتحاد با بازیگران غیردولتی و همکاری با سازمان های مردم نهاد و جنبش های اجتماعی فلسطینی، می تواند فشار بین المللی بر اسرائیل را تشدید نماید. درنهایت، بازتعریف استراتژی و تمرکز بر راهکارهای عملی، مانند حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطین بر اساس مرزهای ۱۹۶۷، به جای شعارهای صرفاً ایدئولوژیک، می تواند به افزایش اعتبار و اثربخشی سازمان کمک کند. بنابراین موفقیت سازمان همکاری اسلامی در گرو عبور از تنش های داخلی، کاهش وابستگی به قدرت های غربی و تبدیل قطعنامه ها و بیانیه ها به اقدامات ملموس و کارآمد است. در صورت عدم تحقق این تغییرات بنیادین، نقش این سازمان به صدایی نمادین در دفاع از حقوق فلسطین محدود خواهد ماند، درحالی که بحران غزه همچنان به عنوان زخمی عمیق بر پیکره جهان اسلام باقی خواهد ماند.

فهرست منابع

- اسخرمرز، هنری. ج (۱۳۷۵). سازمان‌های بین‌المللی (قسمت اول)، ترجمه: علی قاسمی، دیدگاه‌های حقوق قضایی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). ناامنی محدود: بررسی تهدیدهای جهانی شدن برای جهان اسلام، در مجموعه مقالات جهان‌شمولی و جهانی‌سازی، تهران: انتشارات اندیشه معاصر.
- بزرگی، سید مهدی (۱۳۸۴). نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان، اندیشه تقرب.
- بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ دوم، تهران: مجد.
- توحیدی، احمد رضا و حسن جان‌زاده، زهرا (۱۴۰۲). «ملاحظات سازمان همکاری اسلامی در عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، شماره ۲.
- جانسیز، احمد و احمدی خوی، امیررضا (آذر ۱۳۹۳). «روابط ایران و ترکیه در سازمان همکاری اسلامی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۳.
- خداوردی، حسن (۱۳۸۴). «صهیونیسم: نژادپرستی و تبعیض نژادی»، مطالعات خاورمیانه، دوره ۱۲، شماره ۴۳.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل اقتصادی، چاپ هشتم، تهران: شهر دانش.
- السید السلیم، محمد؛ بدوی، السید منیر؛ المشاط، عبدالمنعم و ابو زید علی، عبدالعزیز (۱۳۷۶). سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر، ترجمه: حسن رضایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ظریف، محمدجواد و سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۸۹). سازمان‌های بین‌المللی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۷۷). سازمان کنفرانس اسلامی، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کارو، دومینیک (۱۳۷۵). حقوق بین‌الملل در عمل، ترجمه: مصطفی تقی‌زاده انصاری، تهران: نشر قومس.
- کلاد، اینیس ل (۱۳۶۹). ارزیابی سازمان‌های بین‌المللی در قرن بیستم، ترجمه: رجائی فرهنگ، چاپ دوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ممدوحی، فرزاد (۱۳۷۵). سازمان کنفرانس اسلامی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- میرعباسی، سید باقر و سادات میدانی، سید حسین (۱۳۹۵). دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری. جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جنگل.

References

- Abbott, Kenneth W, Snidal, Duncan, (1998). Why States Act through Formal International Organizations, The Journal of Conflict Resolution, 42(1), 3-32.
- Akbarzadeh, Shahram; Connor, Kylie (Summer 2005). The Organization of Islamic Conference: Sharing Illusion, Middle East Policy, 12 (2), 79-92.
- Boulde, Jane(2003). Dealing with Conflict in Africa: The United Nations and Regional Organizations, First published, New York, PALGRAVE MACMILLAN.
- <http://www.rochelleterman.com/ir/sites/default/files/abbott%20and%20snidal%201998.pdf>

- Katzenstein, Peter J, Keohane, O. Robert, Krasner, D. Stephen, (Autumn 1998). International Organization and the Study of World Politics, The MIT Press, International Organization, 52(4), 645–685.
- Kayaoglu, Turan (2015). The Organization of Islamic Cooperation Politics, problems, and potential, First published, New York, Routledge.
- Lenczowski, George, (1973). "The Arab Cold War." The Middle East: Quest for an American Policy, edited by Willard Beling, Albany: State University of New York.
- ÖZKAN, Mehmet, (January 2007). Turkey in the Islamic World: An Institutional Perspective, Turkish Review of Middle East Studies, Vol. 18, 159-193.
- Sezgin, Zeynep, Dijkzeul, Dennis(2016). The New Humanitarians in International Practice Emerging Actors and Contested Principles, First published, New York, Routledge.
- “Jerusalem and the Gaza War: Palestinian Identity and Existence Under Threat of Erasure” Convened by the Committee on the Exercise of the Inalienable Rights of the Palestinian People (CEIRPP) and the Organization of Islamic Cooperation (OIC) OIC Headquarters - Jeddah, Saudi Arabia Monday, 1 July 2024.
- <https://www.un.org/unispal/event/symposium-on-the-question-of-jerusalem-2024/>
- Resolution 1/3 – P (IS), 1981, See Section: In the Military Field, item 1.
- https://www.un.org/sites/un2.un.org/files/2021/03/a36_1.pdf
- OIC/19EXCFM-19/2024/FINAL.RES.
- oci.org/Lists/ConferenceDocuments/Attachments/2614/ex_cfm_19_res_r2_en.pdf
- Resolution of the Joint Arab Islamic Extraordinary Summit On Israeli Aggression Against the Palestinian People Riyadh, Kingdom of Saudi Arabia 11 November 2023
- <https://www.oic-oci.org/docdown/?docID=9922&refID=4279>
- RESOLUTION OF THE FIRST ISLAMIC SUMMIT CONFERENCE - FINAL DECLARATION, IN RABAT, KINGDOM OF MOROCCO RAJAB, 1389 H. - SEPTEMBER, 1969.
- https://new.oic-oci.org/Lists/ConferenceDocuments/Attachments/1178/1cfm_final_com_en.pdf
- RESOLUTION No. 19/9-P.
- <https://www.oic-oci.org/docdown/?docID=4393&refID=1229>
- Human Rights Council Fifty-fifth session 26 February–5 April 2024 Agenda item 7 Human Rights situation in Palestine and other occupied Arab territories
- <https://www.un.org/unispal/wp-content/uploads/2024/03/a-hrc-55-73-auv.pdf>
- Resolution of the Joint Arab Islamic Extraordinary Summit On Israeli Aggression Against the Palestinian People Riyadh, Kingdom of Saudi Arabia 11 November 2023
- <https://www.oic-oci.org/docdown/?docID=9922&refID=4279>
- APPLICATION OF THE CONVENTION ON THE PREVENTION AND PUNISHMENT OF THE CRIME OF GENOCIDE IN THE GAZA STRIP (SOUTH AFRICA v. ISRAEL), 24 MAY 2024 ORDER
- <https://www.icj-cij.org/case/192>
- Statement of ICC Prosecutor Karim A.A. Khan KC: Applications for arrest warrants in the situation in the State of Palestine
- <https://www.icc-cpi.int/news/statement-icc-prosecutor-karim-aa-khan-kc-applications-arrest-warrants-situation-state>
- OIC/SUM-15/2024/DEC.FINAL
- <https://new.oic-oci.org/Lists/ConferenceDocuments/Attachments/2630/Banjul%20Declaration%20Final.pdf>
- OIC/19EXCFM-19/2024/FINAL.RES
- https://new.oic-oci.org/Lists/ConferenceDocuments/Attachments/2614/ex_cfm_19_res_r2_en.pdf

Final Communiqué Adopted by The Open-Ended Extraordinary Meeting of the Executive Committee At the Level of Foreign Ministers of the Member States of the Organization of Islamic Cooperation to Discuss the ongoing crimes by Israel, the Illegal Occupying Power, Against the Palestinian People and its Infringing on the Sovereignty of the Islamic Republic of Iran Jeddah, Kingdom of Saudi Arabia Wednesday, August 7, 2024

<https://new.oic-oci.org/SitePages/ConferenceDetailsConferenceWiseEN.aspx?Item=637>

In Persian

Schermers, Henry G (1996). International Organizations (Part I), (translated by Ali Ghasemi), Judicial Law Perspectives, (2), 155–178.

Eftekhari, Asghar (2001). Limited Insecurity: Examining the Threats of Globalization for the Islamic World, in Proceedings of Universality and Globalization, Tehran: Andishe-ye Mo'aser Publications, pp. 220–243.

Bozorgi, Seyed Mehdi (Winter 2006). The Role of the Islamic Revolution in the Awakening and Unity of Muslims, Andishe-ye Taqrib, (5), 26–49.

Beigzadeh, Ebrahim (2012). Law of International Organizations (2nd ed.), Tehran: Majd.

Tohidi, Ahmadreza & Hasan-Janzadeh, Zahra (July 2023). Considerations of the Organization of Islamic Cooperation in the Normalization of Relations between Some Arab States and the Zionist Regime, Comparative Research on Islamic and Western Law, 10(2), 1–24.

• Jansiz, Ahmad & Ahmadi-Khoyi, Amir Reza (December 2014). Iran-Turkey Relations in the Organization of Islamic Cooperation, Global Policy Quarterly, 3(3), 95–124.

Khodaverdi, Hassan (Autumn 2005). Zionism: Racism and Racial Discrimination, Middle East Studies, 12(43), 13–24.

Zamani, Seyed Ghasem (2017). International Economic Law (8th ed.), Tehran: Shahre Danesh.

Al-Sayed Al-Salim, Mohamed; El-Badawi, El-Sayed Mounir; El-Mashat, Abdel Monem; & Abu Zaid Ali, Abdel Aziz (1997). The Organization of the Islamic Conference in a Changing World (trans. Hassan Rezaei), 1st ed, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Publishing and Printing Institute.

Zarif, Mohammad Javad & Sajjadpour, Mohammad Kazem (2010). International Organizations, 1st ed, Tehran: Mizan.

Fawzi Toiserkani, Yahya (1998). The Organization of the Islamic Conference, 1st ed, Tehran: Center for Islamic Revolution Documents.

Carreau, Dominique (1996). International Law in Action (trans. Mostafa Taghizadeh Ansari), Tehran: Ghoomes.

Claude, Inis L (1990). Evaluation of International Organizations in the Twentieth Century (trans. Rajae Farhang), 2nd ed, Tehran: Farhang-e Eslami Publishing.

Mamdouhi, Farzad (1996). The Organization of the Islamic Conference, 2nd ed, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing Institute.

Mir Abbasi, Seyed Baqer & Sadat Meydani, Seyed Hossein (2016). International Adjudication: The International Court of Justice (Vol. 2), 4th ed, Tehran: Jangel Publications.